

میزگرد

ضرورت بازنگری در نظام آموزش حسابداری

مدرک حسابداری حرفه‌ای، نشان‌دهنده لیاقت و شایستگی حرفه‌ای برای کسانی است که مشتاقند به‌عنوان حسابدار حرفه‌ای در جامعه خدمت کنند. مدرک حسابداری حرفه‌ای نشان می‌دهد که فرد، دانش، مهارت، و تعهد لازم برای ارائه خدمات حسابداری را دارد. در سراسر جهان، مسئولیت اعطای مدرک حسابداری حرفه‌ای با انجمن‌های حسابداری حرفه‌ای است. اعتبار انجمن حسابداری حرفه‌ای، به مدرک حرفه‌ای اعتبار می‌بخشد. مشتاقان حسابداری حرفه‌ای، برای دریافت مدرک، باید برنامه توسعه حرفه‌ای (IPD) را با موفقیت بگذرانند. ورود به برنامه توسعه حرفه‌ای مقدماتی، برای افرادی امکان‌پذیر است که مرحله آموزش عمومی (General Education) را پشت سر گذاشته باشند. هر انجمن حسابداری حرفه‌ای، سطح و کیفیت مرحله آموزش عمومی و برنامه توسعه حرفه‌ای مقدماتی مورد نظر خود را تعیین می‌کند. دانشگاهها که عرضه‌کننده آموزش عمومی هستند و مراکز آموزش حسابداری حرفه‌ای که برنامه توسعه حرفه‌ای مقدماتی را ارائه می‌کنند، ضوابط و استانداردهای انجمن‌های حسابداری حرفه‌ای حسابداری را در برنامه‌های آموزشی خود در نظر می‌گیرند.

در امریکا، هیئت حسابداری ایالتی (SBA) مقررات و شرایط اعطای مدرک را تعیین می‌کند. مشتاقان مدرک حسابداری رسمی (CPA)، برای ثبت‌نام باید ۱۵۰ واحد درسی حسابداری را گذرانده باشند. سپس، باید در ۴ آزمون حسابرسی و گواهی‌دهی، مفاهیم و محیط کسب‌وکار، حسابداری و گزارشگری مالی، و مقررات (مالیاتی و تجاری) شرکت کنند.

در ایران، داشتن حداقل مدرک کارشناسی از دانشگاه در رشته حسابداری یا رشته‌های مشابه (حداقل ۱۸ واحد از آنها حسابداری باشد) برای ثبت‌نام شرکت در آزمون انتخاب حسابدار رسمی ضروری است و متقاضیان باید در ۳ آزمون حسابداری، حسابرسی، و قانون (مالیاتها، تجاری، ...) شرکت کنند. با توجه به تغییرات پرحدامنه و تحولات سریع محیط کسب‌وکار، مراجع حرفه‌ای پیشرو همواره در تلاشند که سطح و کیفیت شایستگی حسابداران حرفه‌ای را ارتقا دهند. ارتقای شایستگی حسابداران حرفه‌ای، تا حدود زیادی به انطباق نظام آموزش حسابداری دانشگاهی و حرفه‌ای با نیازهای محیط کسب‌وکار بستگی دارد. «ضرورت بازنگری در نظام آموزش حسابداری» موضوع بحث میزگرد شماره ۸۱ مجله حسابرس است. پرسشهایی که در میزگرد مطرح شد و اعضای شرکت‌کننده در میزگرد که در هر دور گفتگو، دیدگاه و نظر خود درباره یکی از پرسش‌ها را ارائه کردند، از این قرار بود:

- ۱- تفاوت آموزش دانشگاهی حسابداری و آموزش حرفه‌ای حسابداری چیست؟
- ۲- آموزش دانشگاهی حسابداری چه دانش و آگاهی‌هایی را باید به دانشجویان بدهد و محتوای دوره‌های آموزشی حرفه‌ای حسابداری شامل چه مواردی باید باشد؟
- ۳- آیا آموزش اصول اخلاقی را ضروری می‌دانید؟ چه مراجعی مسئول آموزش اصول اخلاقی به حسابداران حرفه‌ای هستند؟
- ۴- بین تدریس ارزشها و اخلاق و نگرشهای حرفه‌ای به دانشجویان و نهادینه کردن رفتار اخلاقی در اعضای حرفه حسابداری و حسابرسی تفاوت وجود دارد. اصول اخلاقی را چگونه باید آموزش داد و نهادینه کرد؟
- ۵- یکی از مسائل جاری در حرفه حسابداری و حسابرسی پذیرش و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) است. آموزش این استانداردها به حسابداران و نیروهای حرفه‌ای فعال در حسابداری و حسابرسی از مسائل اساسی است. آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چگونه باید باشد به گونه‌ای که نیروهای حرفه‌ای در حد کفایت با آنها آشنا شوند؟
- ۶- استادان و مربیان حسابداری، برای آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به چه آموزش‌هایی نیاز دارند؟
- ۷- افراد شاغل در حرفه حسابداری و حسابرسی چگونه می‌توانند با توجه به تجربه‌های خود به محیط دانشگاهی در آموزش حسابداری و حسابرسی کمک کنند و قدرت یادگیری دانشجویان را افزایش دهند؟
- ۸- آیا روش آزمون، نصاب قبولی، محتوا و نوع پرسشها، ابزار مناسبی برای اطمینان از صلاحیت و شایستگی متقاضیان دریافت مدرک حسابدار رسمی است؟
- ۹- چه پیشنهادهایی برای بهبود امتحان حسابدار رسمی دارید؟

به‌عنوان یک اصل مسلم ادامه داده شد و برای مثال دارندگان مدارک دکترای عملاً دارای شانس بیشتری نسبت به دیگران برای عضویت در جامعه حسابداران رسمی هستند.

آموزش حرفه‌ای با آموزش دانشگاهی یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که آموزش حرفه‌ای باید به تحقق هدفهای حرفه‌ای کمک کند؛ یعنی به تحقق هدفهای مؤسسه‌داری، و هدفهای کلی حرفه. به‌خاطر دارم برای برنامه‌های عملیاتی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۵ جامعه حسابداران رسمی ایران، یک پروتکل تهیه کردیم و در بخش برنامه‌های آموزشی نوشتیم که برنامه‌های آموزشی جامعه باید با دو رویکرد مساعدت به توسعه اقتصادی حرفه و ارتقای کیفیت صلاحیت‌های علمی و فنی اعضا و کارکنان مؤسسه‌ها تنظیم شود. یعنی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای باید به‌نوعی باشد که از بُعد اقتصادی، انجام فعالیت‌های جدید اقتصادی که در حوزه صلاحیت حرفه قرار دارند را رشد دهد، همچنین هزینه انجام کار حرفه‌ای را کاهش دهد؛ یعنی برای مثال، زمان حسابرسی را پایین بیاورد و در عین حال سطح رسیدگی‌ها را بالا ببرد و استفاده از مهارت‌ها، دانش و امکانات فناوری را ارتقا دهد.

از بُعد افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای و صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای اعضای جامعه، آموزش باید سهم و تأثیرگذاری اجتماعی حرفه حسابرسی را در جامعه بیشتر کند. این دو بُعد، در عرض هم قرار دارند و در واقع دو سیمای متفاوت از یک موجود واحد هستند و دو روی یک سکه‌اند. اگر بتوانیم نوع نگاه به آموزش را تغییر دهیم صددرصد خواهیم توانست به این هدفها برسیم.

✓ دکتر نظری

پیش از هرچیز از این‌که دعوت مجله حسابرس را پذیرفته و در میزگرد حضور یافته‌اید سپاسگزارم. موضوع بحث، آموزش دانشگاهی و حرفه‌ای حسابداری است. گفتگو را با این پرسش آغاز کنیم که تفاوت آموزش دانشگاهی حسابداری با آموزش حرفه‌ای حسابداری چیست؟ آموزش دانشگاهی چه دانش و آگاهی‌هایی را باید به دانشجو بدهد و محتوای آموزش حرفه‌ای حسابداری شامل چه مواردی باید باشد؟

✓ محامی

آموزش عالی در سالهای اخیر به مسیرهایی می‌رود که به‌نظر من ناکجاآباد است و علت اصلی آن هم طرز فکر حاکم بر آموزش عالی است. افزایش بی‌رویه مراکز آموزش عالی و توجه شدید به مدرک تحصیلی به‌عنوان مهم‌ترین فاکتور اشتغال در نزد مراکز دولتی و نهادهای عمومی به‌عنوان اصلی‌ترین بخش اقتصاد، آموزش عالی را به سمتی برده است که ناچار کمیت‌ها بر کیفیت‌ها پیشی بگیرد. به موازات همین گرایش، در سازمان حسابرسی به‌عنوان اصلی‌ترین مرکز کار حرفه‌ای هم تقدم و اهمیت مدرک سهم بیشتری در ارتقای حرفه‌ای پیدا کرد؛ برای مثال دارنده مدرک لیسانس خودبه‌خود حسابرس شناخته شد. داشتن مدرک فوق لیسانس خودبه‌خود چند سال کار حرفه‌ای تلقی شد. یعنی آموزش آکادمیک معادل تجربه حرفه‌ای و مهارت حرفه‌ای که فقط در اثر کار حرفه‌ای به‌دست می‌آید تلقی شد. این تلقی نادرست در جامعه حسابداران رسمی هم

شرکت‌کنندگان در این میزگرد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:

ناصر محامی

عضو هیئت‌مدیره جامعه حسابداران رسمی ایران



عباس شجاعی

حسابدار رسمی



دکتر ابراهیم نوروزبیگی

مدیر مرکز آموزش حسابداران خبره



دکتر رضا نظری

عضو شورای مدیریت مجله حسابرس



✓ دکتر نظری

به طور مشخص آموزش دانشگاهی حسابداری بر چه زمینه‌هایی باید تأکید داشته باشد و آموزش حرفه‌ای حسابداری بر چه زمینه‌هایی؟

✓ محامی

آموزش حرفه‌ای، به یادگرفتن مهارت‌های جدیدتر مربوط است، یا دانش جدیدتر، یا به‌روز کردن دانش موجود. از طرف دیگر، من آموزش دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای را در عرض هم نمی‌بینم بلکه در طول هم می‌بینم. یعنی، اعتقاد دارم آموزش دانشگاهی، در اساس برای این انجام می‌شود که حسابدار بتواند به وظایف حرفه‌ای خودش عمل کند؛ اگر حسابدار نتواند با کمک دانشگاه به وظایف حرفه‌ای خودش یعنی مسئولیت اجتماعی و خدمت به منافع عمومی، عمل کند در واقع ناکام مانده است. آموزش دانشگاهی، باید سفارش خود را صددرصد از نیازهای عادی حرفه بگیرد که در این صورت یک هماهنگی بین آموزش دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای پدید می‌آید.

آموزش حرفه‌ای حسابداری و آموزش دانشگاهی حسابداری باید به‌طور موازی باشد. منتهی آموزش دانشگاهی برنامه‌های کلی خود، یعنی خط‌مشی کلی خود را باید از نیازهای درازمدت حرفه بگیرد. حرفه از جامعه جدا نیست. حرفه برای این به‌وجود آمده است که به جامعه خدمت کند. در واقع منظور من از حرفه همان جامعه است. یعنی اگر آموزش راه خودش را برود و حرفه هم راه خودش را برود، آموزش موفق نخواهد شد و حرفه هم

موفق نخواهد شد. خدمت آموزش به جامعه، از کانال حرفه انجام می‌شود. از این لحاظ است که فکر می‌کنم آموزش خط‌مشی کلی خودش را باید از حرفه بگیرد، از نیازهای حرفه بگیرد، که آن موقع هم نیازهایش را در واقع از نیازهای جامعه می‌گیرد.

✓ دکتر نوروزی‌گی

بنده اجازه می‌خواهم موضوع آموزش را از دو بُعد مورد بررسی قرار دهم. در بُعد اول آموزش را از حیث آنچه باید باشد بررسی کنیم و در بُعد دوم، آموزش را از حیث آنچه هست.

حسابداری یک رشته کاربردی است؛ بنابراین دانشگاهها از روی قاعده باید کسانی را پرورش دهند که در اجرا بتوانند کار کنند. به عبارت دیگر اگر آموزش دانشگاهی به‌درستی انجام شود، با آموزش حرفه‌ای نمی‌تواند متفاوت باشد. من دستکم از منظر هدف در مقطع کارشناسی، بین آموزش دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای تفاوتی نمی‌بینم. برای مثال، هدف درس حسابداری پیشرفته ۲ که حسابداری تلفیقی است، آموزش کاربردی تهیه صورتهای مالی تلفیقی است و استادی که آن را تدریس می‌کند باید طوری درس بدهد که دانشجویان بتوانند یک صورت مالی تلفیقی تهیه کنند.

ولی اگر آموزش را از حیث آنچه هست در نظر بگیریم، اکنون آموزش دانشگاهی از آموزش حرفه‌ای جدا شده است. چراکه هدفهای برخی افراد شرکت‌کننده در این دو نوع آموزش متفاوت است. الزاماً کسانی که دوره‌های دانشگاهی را می‌گذرانند دنبال این نیستند که کار یاد بگیرند، بلکه برخی از آنها در جستجوی مدرک آمده‌اند تا آن مدرک را برای ارتقای شغلی و کسب درآمد به سازمانهای خود ارائه کنند.

✓ دکتر نظری

این عقیده وجود دارد که هدف اصلی آموزش دانشگاهی، دادن دانش غیر تخصصی و عمومی است ولی هدف آموزش حرفه‌ای حسابداری این است که فرد، صلاحیت حسابدار شدن را پیدا کند. با این نظر موافقید؟

✓ دکتر نوروزی‌گی

بعید می‌دانم این موضوع رسمی باشد. مگر می‌توان در هدفهای سرفصل‌های مصوب وزارت علوم در مورد رشته حسابداری گفت که هدف آموزش غیر تخصصی و عمومی است. یک دانش‌آموخته دانشگاه در مقطع کارشناسی باید بتواند در حرفه کار کند. در این سطح، آموزش دانشگاهی را متفاوت از آموزش

محامی:

اگر آموزش

راه خودش را برود

و

حرفه هم راه خودش را برود

آموزش

موفق نخواهد شد



باید به‌طور قطع آماده‌سازی دانشجو برای ورود به بازار کار باشد، دستکم از سال سوم به بعد.

✓ دکتر نظری

هدف آموزش حسابداری در دانشگاه، ارائه دانش عمومی به دانشجویان است. دانشگاه هرگز نمی‌تواند یک نفر را به‌گونه‌ای آموزش دهد که بتواند بلافاصله وارد حرفه شود. اگر غیر از این باشد ضرورت آموزش حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای مستمر مورد تردید قرار می‌گیرد. کسی که از دانشگاه وارد جامعه می‌شود، نمی‌تواند بلافاصله وارد حرفه حسابداری شود. برای این‌که دانش‌آموخته حسابداری وارد حرفه شود، نهادهای حرفه‌ای باید پلی بزنند تا دانش‌آموخته رشته حسابداری دانشگاه به‌وسیله این پل به حرفه برسد. این پل، همان آموزش حرفه‌ای است. کسی که می‌خواهد حرفه حسابداری را انتخاب کند، باید دارای صلاحیت‌هایی باشد. این صلاحیت‌ها را دانشگاه به فرد نمی‌دهد. این صلاحیت‌ها را آموزش حرفه‌ای به فرد می‌دهد. به همین دلیل است که برنامه‌های آموزشی دانشگاهی دانشگاه‌های مختلف، چه در ایران و چه در سطح دنیا، یکسان نیست و هر دانشگاهی زمینه‌های مختلفی دارد. بعضی دانشگاهها در سطح جزئیات وارد اصول اخلاق حرفه‌ای می‌شوند و بعضی دیگر در سطح کلی به چنین مطالبی می‌پردازند.

✓ شجاعی

من چون هر دو گروه آموزش را دیده‌ام، می‌توانم توضیح بیشتری در این زمینه بدهم. به‌نظر می‌رسد سه سال اول دانشگاه، تأکید بر آموزش عمومی است. دلیلش هم این است که دانشجو چیزهای مختلفی را می‌خواند و در اصل در سن جوانی، گرایش اشخاص بیشتر به یادگیری و تجربه در همه زمینه‌هاست. من با شما موافقم که بالأخره باید در دانشگاه آموزش‌شهایی داده شود که مفید فایده باشد و شخص بتواند از آن برای پیشرفت شغلی استفاده کند، ولی در دانشگاه مقداری عمومی‌تر درس می‌دهند.

✓ دکتر نوروزبیگی

هدف نیست؛ این‌گونه شده است. برخی دانشگاه‌ها در مورد کارکردن استادان خود در خارج دانشگاه سختگیریهایی زیادی

حرفه‌ای نمی‌بینم. یعنی فرض کنید کسی که حسابداری بهای تمام‌شده یا حسابداری صنعتی را در دانشگاه یاد می‌گیرد، باید بتواند در محیط کار از عهده محاسبات بهای تمام‌شده برآید. بی‌گمان منظور بنده این نیست که این شخص کامل و بدون نقص کار کند، چرا که تجربه نیز اهمیت بسیار زیادی دارد، اما از نظر دانش نباید کمبودی داشته باشد.

همانطور که عرض کردم آنچه هست از آنچه باید باشد متفاوت شده است. آنچه باعث می‌شود افراد به سمت آموزش حرفه‌ای بروند، نیاز است. حرفه پویاست و نسبت به شرایط، بسیار سریع تغییر می‌کند، اما سیستم دانشگاه بوروکراتیک است و ممکن است با تأخیر نسبت به حوادث حرفه واکنش نشان دهد. برای مثال، می‌بینیم که سالهاست برنامه‌های درسی دانشگاهی تغییر نکرده است و گاهی مطالبی را می‌خوانیم که شاید دیگر به درد نمی‌خورد و قابل استفاده نیست. اما در آموزش حرفه‌ای، اگر یک کارگاه بگذاریم، یا یک دوره تعریف کنیم، چنانچه کاربردی نباشد کسی ثبت نام نمی‌کند. یعنی، این نیاز است که افراد را به سمت آموزش حرفه‌ای می‌آورد. بنابراین دوره‌های آموزش حرفه‌ای به‌سرعت با توجه به نیازها تغییر می‌کند، ولی در دانشگاه این‌طور نیست و برنامه درسی یک الزام است، یک اجبار است که واحدها باید گذرانیده شوند و گاهی هدف از گذراندن واحدها گرفتن مدرک است. در دوره‌های آموزش حرفه‌ای افراد نمی‌آیند که فقط مدرک بگیرند بلکه می‌آیند تا برای حرفه و کار خود تجهیز شوند.

✓ دکتر نظری

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که از آموزش دانشگاهی نباید انتظار داشت که دانش‌آموخته را برای کار حسابداری آماده کند.

✓ دکتر نوروزبیگی

در وضعیت فعلی بله! مگر این‌که تغییری در نگرش سیستم دانشگاهی ایجاد شود. کسانی که روزهای اول، برنامه‌های درسی حسابداری را برای دانشگاهها تدوین کرده‌اند، هدفشان این بوده که شخص بتواند در شرکتها با آن کار کند ولی به دلایل مختلف، امروز آن برنامه‌ها برای پرورش حسابداری حرفه‌ای سودمند نیستند.

✓ محامی

من با آقای دکتر نوروزبیگی موافقم. در مقطع لیسانس، هدف

را با پایه‌ها آشنا کند. طبیعی است مواد درسی متفاوتی دارد و موضوعهای متفاوتی دارد، منتهی یک یکپارچگی به‌طور حتم وجود دارد و باید ببینیم که این یکپارچگی از کدام سمت می‌آید، یعنی الزامهای کدام سمت، نوع آموزش را تعیین می‌کند.

به‌نظر من حرفه تکلیف آموزش حسابداری را تعیین می‌کند. در ایران به یک وضعیتی دچار هستیم که به حسابداران مربوط نیست. در کشور ما بسیاری از موضوعها به کاریکاتورش تبدیل شده است. یعنی با این که می‌گوییم دانشگاه باید این‌طور باشد و این‌گونه باید کار کند، در واقعیت چیز دیگری اتفاق می‌افتد؛ مقاله فروختن، مقاله خریدن، و هزار و یک مسئله. درست همین مشکل در بخش حرفه‌ای ما هم وجود دارد. من تصور می‌کنم که هیچ‌کدام از افرادی که سالیان سال در جامعه حسابداران رسمی ایران کار کرده‌اند، حتی یک ماه نمی‌توانند در یک مؤسسه حسابرسی بین‌المللی کار کنند.

ما وقتی که از آموزش صحبت می‌کنیم، یاد کلاس می‌افتیم و این ما را به اشتباه می‌اندازد. در دهه شصت اگر خاطرتان باشد کتاب به آن معنا که بتواند به اتکای آن حسابداری را یاد بگیریم و با آن کار کنیم تا به پرسش‌هایمان جواب دهد، در واقع وجود نداشت و یا به ۳ الی ۴ جلد کتاب پایه‌ای محدود می‌شد. آن زمان اگر خاطرتان باشد کار را از سرپرست و مدیر و شریک حسابرسی یاد می‌گرفتیم؛ در واقع آنها به ما آموزش می‌دادند.

الان در جامعه حرفه‌ای ما افراد بسیار زیادی هستند که هیچ چیزشان به این جامعه حرفه‌ای نمی‌خورد، نه سابقه‌شان، نه دانش‌شان، نه شخصیت‌شان و نه اخلاق‌شان؛ ولی کارت حسابدار رسمی دارند و کار انجام می‌دهند. به‌نظر من بخشی از آموزش‌های حرفه‌ای باید در دانشگاه انجام شود؛ به‌ویژه در دوره لیسانس. به‌نظر من بخش عمده‌ای از کلاس‌های آموزشی که در بخش حرفه‌ای گذاشته می‌شود، اگر اجبار نمره و امتیاز آموزشی نباشد اصلاً تشکیل نمی‌شود.

وقتی در دانشگاه ما رشته‌ای گذاشته می‌شود با گرایش حسابرسی، این خودش نشان می‌دهد که اصلاً با اصل قضیه آشنا نیستند؛ چون حسابرسی در اصل رشته تحصیلی نیست. حسابرسی مجموعه‌ای از مهارت‌ها در **کانتکست** (Context) اخلاق حرفه‌ای است. چون هدف حرفه حسابداری، انجام کار مردم و انجام کار جامعه است، در نتیجه باید خط‌مشی‌های کلی را دانشگاه به‌خصوص در دوره لیسانس از نیازهای حرفه بگیرد.

می‌کنند، بعد انتظار دارند آن استادان کاربردی تدریس کنند! این نشدنی است. بهترین استادان ما در دانشگاه افرادی بودند که در محیط حرفه‌ای هم کار می‌کردند. استادی که در حرفه کار می‌کند، مثلاً هایش کاربردی است. برای مثال، زمانی که آقای دکتر نظری تدریس می‌کنند صرف نظر از تدریس در دانشگاه و یا مراکز حرفه‌ای، وقتی که در دانشگاه درس می‌دهند همانقدر کاربردی درس می‌دهند که در یک مرکز حرفه‌ای درس می‌دادند. اما استادی که فقط تئوری بلد است، کاربردی تدریس نمی‌کند؛ او چه در دانشگاه و چه در مراکز حرفه‌ای تنها تئوری تدریس می‌کند.

✓ شجاعی

البته تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال **انجمن حسابداران رسمی خبره (ACCA)** هر سه سال یکبار محتوای دوره آموزشی را عوض می‌کند. دلیلش چیست؟ مسئولان این انجمن با تمام سازمان‌های شناخته‌شده دنیا نشست‌هایی دارند که در طی این نشست‌ها بازخورد می‌گیرند که مهارت‌های افرادی که می‌خواهند به‌عنوان حسابداری حرفه‌ای استخدام کنند چه چیزهایی است و این فرایند مدام در حال تغییر است.

دانشگاه این کار را انجام نمی‌دهد. دانشگاه یک برنامه درسی دارد و طبق آن عمل می‌کند. حالا دانشگاه‌های پویاتر ممکن است بعد از ۵ سال یا ۱۰ سال تغییراتی جزئی بدهند، ولی به هیچ وجه با تغییرهای یک مؤسسه حرفه‌ای که باید مطابق با نیازهای جامعه و تعهدهای حرفه تغییر کند، درخور مقایسه نیست.

در مورد تفاوت‌ها اجازه بدهید مطلبی را بگویم. دانشگاه‌ها محیط خاصی دارند. برای دانشجویان مهم نیست که کی پولدار است و آن پسر فلان لرد است و آن یکی پسر فلان کارگر است. ولی وقتی که از دانشگاه وارد زندگی واقعی می‌شوند، مجبورند که واقعیت‌های زندگی را ببینند و واقعیت‌ها این است که باید درآمد کافی داشته باشند و بتوانند خانواده‌شان را اداره کنند. روحیه افراد در دانشگاه‌ها یک چیز است و وقتی وارد حرفه و کار می‌شوند، کمی متفاوت می‌شود. بدین ترتیب محیط و مضمون آموزش در دانشگاه و در حرفه متفاوت است.

✓ محامی

آموزش دانشگاهی مقدمه ورود به آموزش حرفه‌ای است. حالا باید ببینیم که کدام‌شان مقصد و کدام‌شان مبدأ است. مبدأ، آموزش دانشگاهی است، زیرا در واقع می‌خواهد دانشجو



دکتر نوروزبیگی:

در جامعه‌ای که

دورزدن قانون

زرنگی است

رفتار غیر اخلاقی

توسعه پیدا می‌کند

زرنگی و توانایی قلمداد می‌شود.

در کارهای حرفه‌ای، اخلاق چارچوب دارد. برای مثال در مدارکی مانند حسابدار رسمی خیره چیزی وجود دارد به اسم ماژول اخلاقیات؛ هر کسی بخواهد که حسابدار حرفه‌ای شود، باید این ماژول را طی کرده باشد. این ماژول جنبه واقعی دارد، یعنی به شخص نشان می‌دهد که اگر رشوه بگیرد عواقبش چیست. به افراد آموزش می‌دهد که اگر به این مسیر بروند به نتیجه نخواهند رسید. یعنی، به فرد می‌قبولاند که از نظر شخصی هم که به آن نگاه کند در درازمدت به نفع اوست که درستکار باشد، تابع اخلاق باشد، قوانین را مراعات کند، و طبق آنها عمل کند. اینها تفاوت‌هایی است که در درس اخلاق حرفه‌ای با اخلاق جامعه به صورت عام، وجود دارد.

این که چه کسی می‌تواند اخلاق حرفه‌ای را آموزش دهد، باید گفت اخلاق حرفه‌ای در محیط کار آموزش داده می‌شود. یعنی وقتی که شما در محیط حرفه‌ای کار می‌کنید، به طور خودکار تابع ضوابطی می‌شوید که در شما نهادینه می‌شود و اعتقاد به اخلاق حرفه‌ای در رفتار و کردار و حتی صحبت کردن شما منعکس می‌شود. کسانی که در محیط حرفه‌ای کار کرده‌اند در بسیاری اوقات با یک مکالمه تلفنی می‌توانند شما را ارزیابی کنند و متوجه می‌شوند که شخص طرف مقابل آنها آدم حرفه‌ای است و حرفش چارچوب دارد.

می‌خواهم بگویم که اخلاق حرفه‌ای در محیط کار و در حرفه نهادینه می‌شود، یعنی آموزش کلاسی یا کتابی شرط لازم است،

✓ دکتر نظری

جامعه از حسابدار و حرفه حسابداری انتظاراتی دارد و آن هم به دلیل اهمیت و نقشی است که حرفه حسابداری در جامعه می‌تواند داشته باشد و در راستای برآورده کردن این انتظاراتها، موضوع رعایت اصول اخلاقی مطرح می‌شود. به نظر شما چه مرجعی مسئول آموزش اصول اخلاقی به حسابداران رسمی است و بین تدریس ارزش، اخلاق و نگرش‌های حرفه‌ای به دانشجویان و نهادینه کردن رفتار و اخلاق حرفه‌ای در اعضای حرفه، چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

✓ دکتر نوروزبیگی

بنده رعایت اخلاق را بیشتر از این که به نوع شغل مرتبط بدانم یک موضوع فرهنگی می‌دانم. فرهنگ جامعه‌ای که افراد در آن پرورش پیدا می‌کنند، بسیار اهمیت دارد. برای مثال در جامعه‌ای که دورزدن قانون، زرنگی است، رفتار غیر اخلاقی توسعه پیدا می‌کند. در جامعه‌ای که افراد بدون آن که شرم کنند در مورد نگهداری دو دفتر حساب صحبت می‌کنند و یا پرداخت رشوه را برای حل کارهای اداری امری عادی می‌دانند، نمی‌توان دم از اخلاق حرفه‌ای زد. در چنین جامعه‌ای موضوع‌های اخلاق حرفه‌ای فقط برای کتابهاست. من معتقدم که اخلاق قبل از هر چیزی باید به وسیله فرهنگ اجتماعی حل و فصل شود، بعد در مورد اخلاق حرفه‌ای صحبت کنیم.

شجاعی

به نظر من از لحاظ تئوریک آموزش بسیار راحت است. در تمام کتابها، برای مثال کتاب حسابرسی، بخشی وجود دارد در مورد اخلاق و مثال‌هایی هم ارائه می‌شود و از آن طریق آموزش داده می‌شود که اخلاق چیست. البته اخلاق هم بستگی به فرهنگ جامعه دارد و هم بستگی به آدم‌های مختلف.

یعنی برای یک فرد، اصول اخلاقی که به آن باور دارد یک چیز است ولی برای فرد دیگر ممکن است به طور کامل متفاوت باشد. افراد مختلف اخلاق متفاوتی دارند. اخلاق بستگی به تربیت خانواده و مواردی دارد که فرد در جامعه یاد می‌گیرد. در کشوری مانند آلمان از زمان کودکی به بچه یاد می‌دهند که اصلاً تصور انجام کار غیرقانونی را از مغزش بیرون کند. در نتیجه یک فرد آلمانی از چراغ قرمز رد نمی‌شود، چون از زمان کودکی این را در فکرش نهادینه کرده‌اند. ولی در جوامعی مانند جامعه ما، این کار

نیست. بنابر تجربه، اخلاقیات در سطح عمومی از طریق پند و اندرز امکان کمی برای ترویج دارد. این امر به ابزار عمومی مانند مطبوعات آزاد نیاز دارد که البته خود حسابرسی هم از یکی از ابزار جوامع مدنی و مردم‌سالار برای تحکیم اخلاقیات در حوزه اقتصاد و حوزه‌های مالی است.

یعنی در جامعه مدنی که مطبوعات آزاد دارند، روزنامه آزاد دارند، و مردم می‌توانند حرف بزنند، دروغ گفتن، قانون شکستن، از چراغ قرمز رد شدن، جرم را پنهان کردن، اینها هزینه بسیار زیادی دارد، از این رو دنبالش نمی‌روند. این نیست که امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نسبت به ما انسان‌تر باشند، فهمیده‌تر باشند، خیر؛ در این کشورها در یک فرایند درازمدت به خاطر هزینه‌های اعتبار اجتماعی که افراد باید پرداخت کنند، یک سری رفتارهای شخصی و اجتماعی به وجود آمده است، وگرنه اینها همانهایی هستند که رفتارهای ضدانسانی مثل برده‌داری و استعمار و نقض حقوق و حاکمیت ملی و چه و چه را انجام داده‌اند.

اخلاق را در کشورهای دیگر هم با آموزش درست نکرده‌اند، آنها به تدریج و با قدرت سیاسی این ارزش‌ها را به ارزش‌های عمومی و قابل قبول تبدیل کرده‌اند. ما حتی در مسیر ایجاد جامعه حرفه‌ای حسابداری هم این را می‌بینیم. ما در کشورمان از مسیر پذیرش قانونی، جامعه حرفه‌ای را به وجود آوردیم، ولی در کشورهای دیگر آنها از مسیر پذیرش عمومی این مسیر را طی کرده‌اند. این دو مسیر با هم متفاوت است؛ یکی متکی بر قدرت قانون و دیگری متکی بر اعتماد عمومی است. ما برای این که حسابرسی را توسعه دهیم بخشنامه‌ای صادر کردیم با نام بخشنامه تقویت حسابرسی و گفته‌ایم هر کسی بخواهد وام بگیرد باید حسابهایش را حسابرسی کند.

اگر بخواهیم جامعه حرفه‌ای بر مبنای پذیرش عمومی رشد کند، این خودبه‌خود مستلزم اعتماد عمومی است و اعتماد عمومی جز با تعهد عملی به اخلاقیات حاصل نمی‌شود.

✓ دکتر نظری

برای توسعه اخلاق حرفه‌ای، نقشی برای جامعه حسابداران رسمی قائل هستید؟

✓ محامی

اعضای جامعه حسابداران هم، کار اقتصادی انجام می‌دهند و به کسب‌وکار مشغولند. از این جهت، قوانین طبیعی کسب‌وکار حاکم

ولی کافی نیست. کتاب مانند داستان است که می‌خوانید و عواقبش را می‌فهمید ولی در حیطة و حوزه عمل است که کسانی که از من ارشدترند، به من یاد می‌دهند که اخلاق یعنی چه و چه جوری باید کار حرفه‌ای را انجام داد.

متأسفانه در ایران مرجع خاصی برای اخلاق حرفه‌ای نیست که آن را دنبال و پیگیری کند. برای مثال، بسیاری از مؤسسه‌های حسابرسی هستند که در ظاهر موفقند، ولی کار زیرقیمت زیاد دارند. خوب، این هم نوعی کار غیراخلاقی است. شما اگر کار را زیرقیمت بگیرید، به احتمال زیاد مجبورید از کیفیت کار بزنید. یعنی گزارشهایی صادر می‌شود که بیشتر مایه آبروریزی است و از آن بدتر گاهی این گزارشها برای ارائه به خارجی‌هاست که در این موارد بسیار حساسند. این وضعیت به خاطر این است که اخلاق در جامعه حرفه‌ای ما متولی جدی ندارد و مرجعی که قدرت داشته باشد مؤسسه‌هایی که این نوع گزارشها را می‌دهند حذف کند، وجود ندارد.

✓ دکتر نظری

با توجه به مطالب بیان شده، آموزش اخلاق حرفه‌ای به‌طور عمده باید در مسیر حرفه‌ای انجام شود و بر عهده نهادهای حرفه‌ای است تا دانشگاه‌ها. جامعه حسابداران رسمی ایران در این رابطه چه نقش و وظایفی دارد؟

✓ محامی

اخلاق به‌طور کلی موضوعی قابل آموزش به معنی درس دادن و درس شنیدن نیست. هیچ‌وقت نمی‌توانید سه واحد درس سخاوت، سه واحد درس شجاعت، و سه واحد درس مؤمن بودن ارائه بدهید. می‌توانید این واحدها را بگذارید و فرد در عین بی‌اعتقادی، نمره ۲۰ بگیرد و قبول شود. چرا؟ برای این که صفت‌هایی مانند سخاوت، صداقت و شجاعت در واقع در مبنای اصول اخلاقی جای می‌گیرند، نه در مقوله علم و مطلب‌هایی که قابل آموزش باشند.

اخلاقیات به معنی درستکاری است، یعنی حسابرسی بر مبنای درستکاری انجام می‌شود، و این قابل آموزش به معنی کلاس درسی گذاشتن نیست؛ یعنی برایشان کلاس درس گذاشتن، آب در هاون کوبیدن است و تأثیرهای بسیار کمی دارد. بیشتر شبیه پند است که می‌گوید که اگر تو نادرست باشی این بلاها سرت می‌آید که البته هر روز از تلویزیون و رادیو می‌شنویم.

واقعیت این است که اخلاقیات لزوماً یک موضوع شخصی



شجاعی :

کسانی که می خواهند

آموزش بدهند

خودشان باید آموزش ببینند

آموزش مربیان باید به وسیله

آدم‌های خیلی حرفه‌ای

که در واقع وارد باشند

انجام شود

گزارشگری هستند و چه به اعضای حرفه که به عنوان حسابرس انجام وظیفه می‌کنند، یکی از مسائل اساسی است. پرسش این است که این آموزش‌ها چگونه باید انجام شود تا بتواند مثمر ثمر باشد. این پرسش نیز مطرح است که آیا مربیان حسابداری که باید عهده‌دار آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باشند نیز نیاز به آموزش دارند و اگر دارند، چه آموزش‌هایی؟

✓ شجاعی

استانداردهای بین‌المللی مانند هر موضوع آموزشی دیگر، دو زمینه دارد؛ یکی آموزش آکادمیک است که در آن چارچوب‌های استاندارد آموزش داده می‌شود، و مهمتر از آن یادگیری در محیط واقعی است. خواندن استانداردهای بین‌المللی آسان است، البته مطالبی دارد که در واقع سنگین است و ما بعضی از آنها را در ایران اصلاً نداریم. حالا تصور کنید که چه اتفاقی می‌افتد؛ چون در ایران برای آن استانداردها نمونه نداریم که بخواهیم لمس کنیم. یادگیری از طریق کار آموزشی خیلی مؤثرتر است. دومی یعنی آموزش در حین کار خیلی مؤثر است تا این که تنها آدم خود استاندارد را فقط بخواند و منظور آن را به طور ذهنی درک کند.

استانداردهای بین‌المللی حدود ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ صفحه است. زبان آن هم انگلیسی عادی نیست که بگویید خوب من انگلیسی بلدم پس می‌توانم بخوانم و بفهمم. در واقع به یک زبان تخصصی حسابداری است. حالا این را چگونه می‌شود آموزش داد، فکر می‌کنم استادان تنها می‌توانند جنبه نظری را یاد بگیرند، چون برای

در تمام بخش‌ها، در اینجا هم حاکم است؛ از مسئله رقابت، کار گرفتن، تا رفتار حرفه‌ای. وقتی که در جامعه اقتصادی اصول و ضوابط معینی حاکم است شما نمی‌توانید آن را اصلاح کنید.

بی‌اخلاقی انواع گوناگون دارد؛ بدون کنکور وارد دانشگاه شدن، بدون امتحان و صلاحیت کارشناس رسمی شدن، بدون صلاحیت حرفه‌ای کارت حسابداری رسمی گرفتن؛ همه اینها یک موضوع واحد در جلوه‌های متفاوت است.

ابتدا باید حرفه‌ای‌گری را تعریف کنیم. حرفه‌ای‌گری عناصر مختلف دارد. یکی از عناصرش تخصص و دانش است. بقیه‌اش، به طور کوتاه، قبول مسئولیت اجتماعی، حفظ منافع عمومی، صلاحیت، صداقت و درستکاری، پاسخگویی، رفتار مناسب و غیره است. یعنی تنها بخش کوچکی از حرفه‌ای‌گری، دانش است و بقیه‌اش چیزهایی است که به دانش ارتباط ندارد و آنها را باید در خانواده و اجتماع یاد بگیریم. درستکاری را از محیط یاد می‌گیریم. در یک روال کلی، شخص باید خودش را مقید به اخلاق کند. بی‌سواد بودن و مهاجم بودن که ریاضت نمی‌خواهد، ولی برعکس باادب بودن، و با سواد بودن، ریاضت می‌خواهد؛ درستکار بودن ریاضت می‌خواهد، نادرستی که ریاضت نمی‌خواهد.

منظور من این است که فقط یک بخش حرفه‌ای‌گری دانش و تخصص است که ما متأسفانه خیلی روی آن تأکید داریم. رتبه‌بندی و امتحان حسابدار حرفه‌ای روی آن استوار شده و بقیه شوخی تلقی شده است. در سیستم آموزشی با آموزش اخلاق نمی‌توانیم بچه‌ها را درست کنیم. به نظر من به صورت نوبتی باید بگذاریم بچه‌ها کلاسشان را تمیز کنند که بفهمند چه رنجی برای تمیز کردن کلاس باید بکشند، یا آنها را ببریم پارک که اشغال‌هایش را جمع کنند. اینها یک اراده جمعی می‌خواهد، یک اراده بالایی می‌خواهد، کسانی را می‌خواهد که کشورشان را یک جور دیگر دوست داشته باشند. باید برگردیم محیطمان را عوض کنیم، نوع نگاهمان را به جامعه عوض کنیم.

✓ دکتر نظری

بحث استقرار استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، موضوعی است که بورس به شدت پیگیری می‌کند. اگر قرار باشد این استانداردها در ایران به کار گرفته شود، آموزش این استانداردها، چه به کسانی که در شرکت‌ها مسئول

کسی که در حرفه نیست مشکل است که بتواند نقش دوم را بازی کند. فقط می‌تواند چارچوب‌ها را یاد بگیرد. ولی آن کسی که در حرفه درگیر است می‌تواند به صورت آموزشی در حین کار یاد بگیرد. در تبدیل به استانداردهای بین‌المللی باید یک دوره دوساله، یعنی سه ترازنامه را گزارش کنید. یعنی وقتی شما بخواهید ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ را گزارش کنید، باید ۱ ژانویه ۲۰۱۵ را نگاه کنید؛ یعنی دوتا ترازنامه قبل را هم باید تبدیل کنید. این کار یک پروژه است. بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی این کار را به صورت یک فعالیت مستمر می‌بیند. یعنی شما باید در شرکت کمیته‌ای تشکیل دهید و اعضا به طور مستمر روی پروژه کار کنند؛ و بعد حتماً آموزش دیده باشند و با چارچوب و مفاهیم استانداردهای بین‌المللی آشنا باشند. این کمیته باید بماند چون دائم استانداردها در حال تغییر هستند و مرتب تجدیدنظر می‌شوند.

کسانی که می‌خواهند آموزش بدهند، خودشان باید آموزش ببینند. آموزش مریبان باید به وسیله آدم‌های خیلی حرفه‌ای که در واقع وارد باشند، انجام شود. ما با مؤسسه کوپرز صحبت کردیم و قرار گذاشتیم که به ایران بیایند و یک دوره‌ای بگذارند و استانداردهای بین‌المللی را به عده‌ای که آغازگر کار می‌باشند، آموزش دهند. این خیلی مؤثر است که کارشناسان به ایران بیایند و به طور حضوری یک گروه تشکیل دهند و کلاس‌های مستمری داشته باشند، برای نمونه یک هفته یا دو هفته، مریبان را با پیچیدگی‌های آموزش استانداردها آشنا کنند. البته این کار زمان‌بر است و بودجه هم می‌خواهد.

✓ دکتر نظری

آیا برای به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در ایران، نیاز داریم که دانشگاه‌ها هم به آموزش آنها بپردازند؟ آیا کتاب‌ها و متن‌های آموزشی حسابداری و گزارشگری مالی باید تغییر داده شود؟ آموزش مریبان و استادان دانشگاه، باید از سوی افرادی باشد که در حرفه هستند یا افرادی از محیط دانشگاهی؟

شجاعی

این‌که آیا دانشگاه می‌تواند در آموزش سهیم شود، به نظر من به همین طور است. بر حسب اتفاق، یک دانشجوی حسابداری از آفریقای جنوبی در ایران بود و می‌خواست که امتحان حسابداری بدهد و از من کمک آموزشی می‌گرفت. کتاب‌های

دانشگاهی این دانشجو را که نگاه می‌کردم خیلی برایم جالب بود، همه کتاب‌ها بر مبنای استانداردهای بین‌المللی طراحی شده بودند. یعنی کتاب دانشگاهی به طور دقیق واژگان و مفاهیم استانداردهای بین‌المللی را به‌کار برده بود و مشخص بود که کتابها را با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده بودند.

✓ محامی

شما فرمودید که استانداردهای بین‌المللی واژگان خاصی را به‌کار برده است. آیا در ترجمه هم باید واژگان خاص فارسی به‌وجود آید؟

✓ شجاعی

اگر امکان‌پذیر باشد، بهتر است واژه‌های اصلی به زبان انگلیسی به‌کار رود تا فارسی؛ به دلیل این‌که در ترجمه بعضی وقت‌ها مفهوم اصلی از بین می‌رود. معنی اصلی گم می‌شود. یعنی مینا را بگذاریم به همان منبع انگلیسی، که دیگر مجبور نشویم تبدیل کنیم. در ترجمه، بعضی وقت‌ها واژگان یا تفسیرش ممکن است متفاوت از آن چیزی باشد که در واقعیت منظور نظر بوده است. اگر در عمل امکان چنین چیزی نیست، داستان دیگری است.

آموزش مریبان و استادان به‌نظر من باید از سوی افراد حرفه‌ای باشد که توان آموزش دادن هم داشته باشند، چون هر فرد حرفه‌ای هم ممکن است که در امر آموزش فرد توانمندی نباشد. اگر افرادی که حرفه‌ای‌اند و کار حرفه‌ای کرده‌اند و ضوابط کار را می‌فهمند، بتوانند تدریس کنند خیلی بهتر است تا افرادی که فقط آکادمیک هستند.

✓ دکتر نوروزی‌بیگی

طبق الزام‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۹۵ ناشران بزرگ ملزم به تهیه صورتهای مالی تفیقی براساس استانداردهای بین‌المللی هستند. اما به اعتقاد بنده موارد زیر به‌شکل بااهمیتی آموزش استانداردهای بین‌المللی را نیز مورد تأثیر قرار می‌دهد.

۱- نبود اطمینان از اجرای استانداردهای بین‌المللی از سال ۱۳۹۵،

۲- سطح ناکافی تسلط به استانداردهای بین‌المللی نزد استادان رشته حسابداری چه بین افراد اجرایی و چه افراد دانشگاهی،

۳- نبود عزم ملی برای برنامه‌ریزی در این خصوص،

۴- نقش کم‌رنگ دانشگاه در آموزش استانداردهای بین‌المللی،

۵- نبود منابع سودمند آموزشی کافی از جمله مطالعه‌های موردکاوی،

ارزشگذاری را انجام می‌دهند، و کانون کارشناسان که سالهاست ارزیابی انواع دارایی‌ها را انجام می‌دهد، حتی یک رهنمود رسمی ندارد که بگوید سیستم گزارشگری من چیست، استاندارد ارزشگذاری، مفروضات بنیادی ارزشگذاری، روش‌های ارزیابی، و مبانی روش‌های ارزیابی من چیست، و فرایند ارزیابی اصلاً چگونه انجام می‌شود. در حالی که اگر ارزش متعارف به‌درستی اندازه‌گیری نشود همه چیز روی هواست.

در اساس امکان ارزشگذاری متعارف به معنایی که در کشورهای مرجع انجام می‌شود، وجود ندارد. سازمان مالیاتی باید به این مسائل با مسئولیت نگاه کند. ما حتی برای آموزشش، بنیه اقتصادی، بنیه فنی، بنیه آکادمیک و حرفه‌ای نداریم، چه برسد به به‌کارگیری آن. به‌کارگیری آن در اساس از دست ما خارج است، یعنی باید قانون مالیات‌ها اصلاح شود، نهاد حرفه‌ای ارزیابی به‌وجود بیاید. نهادهای حرفه‌ای ماکم کم جا بیفتند. در دیگر کشورها نهادهای حرفه‌ای مشابه، چندین دهه است که سابقه و تجربه دارند و کم‌کم جا افتاده‌اند.

آیا زبان فارسی حسابداری ظرفیت استانداردهای بین‌المللی را دارد؟ آیا مقدمات ترجمه با توجه به اهمیت بنیادی آن انجام شده؟ با توجه به این‌که تنها یک ترجمه از استانداردها برای هر زبانی مورد پذیرش بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRSF) است، آیا قرار است این ترجمه توسط ما انجام شود یا افغان‌ها؟ یا تاجیک‌ها؟ کدام فارسی؟ آیا این‌ها انجام شده است؟ آیا برای این‌ها برنامه‌ریزی انجام گرفته است؟

بنابراین ملاحظه می‌کنید که به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در گروهی همّت و تصمیم یک سازمان یا نهاد نیست. بلکه باید در سطح ملی برای اجرا تدارک لازم دیده شود. استقرار استانداردهای بین‌المللی نیازمند مشارکت جدی و وسیع مراجع آکادمیک و دانشگاهی، مراجع حرفه‌ای و سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی، سازمان امور مالیاتی، نهادهای ارزیابی، سازمان بورس و حتی فرهنگستان زبان فارسی و هماهنگی با کشورهای فارسی‌زبان است. با نگاه یک‌بخشی و کوچک کردن مسئله امکان این کار نیست.

✓ دکتر نظری

آموزش حرفه‌ای مبنای اعطای صلاحیت حرفه‌ای به حسابداران است؛ آیا روش آزمون، نصاب قبولی، محتوا

۶- مشخص نبودن حوزه‌هایی از استانداردهای بین‌المللی که قابلیت اجرا در ایران را ندارد، و سرانجام

۷- تفسیرپذیری قانون به‌ویژه قانون مالیات‌های مستقیم برای آموزش استاندارد بین‌المللی شماره ۱۲ (IAS12).

با این حال اعتقاد دارم که این مشکلها با برنامه‌ریزی مناسب قابل حل است و خوشبختانه به‌تازگی کمیته راهبری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سازمان بورس و اوراق بهادار راه‌اندازی شده که در آن کارگروهی نیز برای آموزش استانداردهای بین‌المللی با همین عنوان تشکیل شده است و تا آنجایی که من اطلاع دارم، از انجمنهای حرفه‌ای نیز در این کارگروه و کمیته نماینده‌ای حضور خواهد داشت. این اقدام می‌تواند در حل بسیاری از مشکلاتی که عنوان شد، مثمر ثمر قرار گیرد و امیدوارم با همدلی و تدبیر، دشواری‌های این مسیر پرچالش برطرف شود.

✓ دکتر نظری

نقش جامعه حسابداران رسمی در آموزش و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در ایران چیست؟ در واقع چه نقش و جایگاهی را برای جامعه حسابداران رسمی ایران قائل هستید و فکر می‌کنید رویکرد انتخاب‌شده برای به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی به سرانجام می‌رسد؟ کشورها براساس برنامه‌ریزی دقیق که کوتاه‌مدت هم نبوده است برای آموزش اعضای حرفه و مربیان و تهیه و تأمین مطالب و متون استانداردهای بین‌المللی به زبان آن کشور، اقدام کرده‌اند. در رویکرد سازمان بورس به‌نظر می‌رسد چنین برنامه‌ریزی‌هایی وجود ندارد و موفقیت کار با ابهام روبه‌روست.

✓ محامی

به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، پروژه بسیار بزرگی است و به تدارک وسیع آکادمیک، حرفه‌ای، و قانونی نیاز دارد؛ یعنی پروژه‌ای در سطح ملی است که بدون اصلاح و تغییر قوانین و بسیاری چیزهای دیگر، در اساس موفق نیست. منتهی من پیش از آن‌که از جنبه‌های تکنیکی به آن نگاه کنم، می‌خواهم از جنبه‌های عملی به آن نگاه کنم. کشور ما در اساس از نظر اقتصادی، یعنی مجموعه فرایندها، طرز فکرها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، آمادگی استانداردهای بین‌المللی را ندارد. در استانداردهای بین‌المللی تأکید زیادی بر ارزش متعارف است. در کشور ما کارشناسان رسمی دادگستری به‌طور عمومی کار

دکتر نظری:

آموزش اخلاق حرفه‌ای

به‌طور عمده باید در

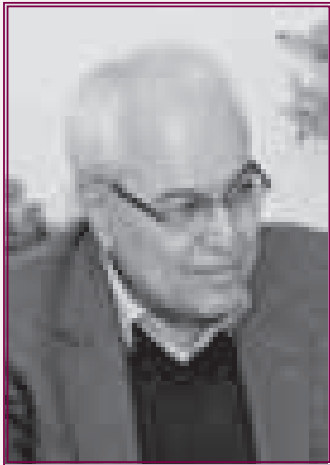
مسیر حرفه‌ای انجام شود

و بر عهده

نهادهای حرفه‌ای است

تا

دانشگاه‌ها



واحد‌های حسابداری باید کم شود و به جای آن دروس مالی و اقتصاد گنجانده شود. حسابداران باید اقتصادسنجی بیاموزند، باید ریاضیات تقویت شود. مایه اول تغییر، تغییر فکر و تفکر است. “ من به‌طور کامل با صحبت شما موافقم. به‌نظر من اینها در اصل مسائل بخش‌ها نیست که در بخش‌ها بتوانیم حل کنیم. یعنی بگوییم که جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی اراده کنند و این را عوض کنند. این تصمیمها بسیار فراتر از بخش است. یعنی باید در سطح مراجع تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز، طرز فکر عوض شود. باید به مسیری برگردیم که مدارک دانشگاهی را به‌شکل کالا نبینند.

✓ دکتر نوروزیگی

به‌طور قطع با یک آزمون در یک روز نمی‌شود صلاحیت را برای یک کار حرفه‌ای تعیین کرد. روش طراحی پرسشها شخص‌محور است و هیچ روش‌شناسی علمی بر آن حاکم نیست. من سالهاست که در مرکز آموزش حسابداران خبره، استانداردهای حسابداری را برای آزمون جامعه حسابداران رسمی تدریس می‌کنم. افرادی را می‌بینم که در واقع به‌نظر من حسابداری مالی را تا آن حدودی که نیاز است بلد هستند، اما نمی‌توانند در امتحان قبول شوند. به‌نظر بنده دلیل آن، نوع امتحان است که به‌دلیل کمبود وقت و شرایط امتحان، استرس زیادی را به شرکت‌کنندگان وارد می‌کند و بنابراین آنها نمی‌توانند به‌پرسشها به‌خوبی پاسخ دهند. اما خوب این پرسش هم مطرح می‌شود که راهکار جایگزین

و نوع پرسش‌ها ابزار مناسبی برای اعطای صلاحیت و شایستگی متقاضیان دریافت مدرک حسابدار رسمی است؟

✓ محامی

من با روش‌شناسی که مسائل پیچیده را ساده کند، بسیار مخالفم. وقتی از حسابدار رسمی صحبت می‌کنیم از کسی صحبت می‌کنیم که حرفه‌ای است. یکی از مقتضیات حرفه‌ای بودن داشتن دانش و تخصص به‌روز است. بقیه یک سری صلاحیت‌های کیفی است که شما نمی‌توانید با سابقه کار، با رشته تحصیلی، دانشگاه رفتن، دروس حسابداری را گذراندن، و امتحان گرفتن آنها را به‌دست بیاورید. کسب آنها مستلزم یادگیری در محیط پیچیده واقعی است. بنابراین پیش‌فرض، سیستمی که بر مبنای آن حسابدار رسمی انتخاب می‌شود، کارا نیست.

من به‌خاطر مسئولیت‌هایی که در حرفه حسابرسی دارم، در طول سال گزارش‌های زیادی را می‌بینم، با افراد زیادی از اعضای حرفه سروکار دارم و صحبت می‌کنم، می‌بینم که این سیستم، خروجی‌هایش آن نیست که تصور می‌شود.

بنابراین به‌طور حتم باید در سیستم موجود تجدیدنظر شود و به طرف سیستمی برود که بتواند متغیرهای کیفی حرفه‌ای بودن را تا حدودی اندازه‌گیری کند و در کنار معیارهای کمی قرار دهد. برای بهبود امتحان حسابدار رسمی چه پیشنهادی داریم؟! خوب یکی این است که آن را از انحصار دولت خارج کنیم. ما یک جامعه حرفه‌ای هستیم ولی امتحان ما را مرجع دیگری می‌گیرد. پذیرش اعضای حرفه‌ای از طریق مراجعی غیر از جامعه، منطقی نیست. دوم، پیدا کردن افراد دارای صلاحیت‌های حرفه‌ای است، اما نه لزوماً به‌وسیله گذراندن امتحان که البته طبیعی است یکی از فاکتورهای مهم هست، ولی کافی نیست. البته چون این کار سخت است دنبال آن نمی‌رویم.

بنیه افرادی که وارد رشته حسابداری در دانشگاه می‌شوند، به‌ویژه از نظر ریاضی ضعیف است؛ یعنی چیزی که کمک می‌کند انسان بتواند منطق تحلیلی را یاد بگیرد.

سخنرانی دکتر ثقفی در سمینار شیراز نکته‌های جالبی را در خود داشت. ایشان گفتند: “در مورد آموزش حسابداری باید حسابرسی صورتهای مالی کم شود، بقیه باید خدمات حرفه‌ای باشد، حسابرسی به شیوه سابق باید متوقف شود، اگر تغییر ندهیم مُرده‌ایم؛ تغییر شرط بقاست، سکون مرگ است. تعداد

تأیید شد. در آینده هم دوباره باید امتحان دهد؛ چون به هر حال تغییرات مطرح است. برای مثال، کسی که در سال ۱۳۸۰ حسابدار رسمی شده اصلاً در آن زمان موضوع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مطرح نبوده است.

✓ شجاعی

در مورد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌خواستیم پیشنهاد کنم که از همه افرادی که می‌توانند دارای شرایط باشند که طبق استانداردهای بین‌المللی حسابرسی کنند، امتحان بگیریم. یعنی در ایران بگوییم که تنها کسانی می‌توانند در مورد صورتهای مالی که با چارچوب استانداردهای بین‌المللی تهیه شده‌اند اظهار نظر کنند که امتحان خاص آن را قبول شده باشند.

بله، من موافقم که به صورت دوره‌ای در مقاطع تغییرات اساسی در چارچوبهای گزارشگری مالی امتحان بگیریم.

شما می‌دانید، مدارک حرفه‌ای بین‌المللی بیشتر گرایش‌های مختلفی دارند. برای مثال، در انجمن حسابداران خبره و رسمی، آنهایی می‌توانند حسابرسی کنند که در ابتدا به طور حتم حسابرس بوده‌اند و همچنین گزینه‌های حسابرسی را در امتحان انتخاب کرده باشند. یعنی بعضی از کسانی که مدرک انجمن حسابداران رسمی خبره را می‌گیرند، دارای شرایط برای امضای گزارش حسابرسی نیستند.

✓ دکتر نظری

به نظر می‌رسد یکی از کارهایی که جامعه حسابداران رسمی باید انجام دهد، شناسایی، انتخاب، و صدور مجوز برای افراد یا مؤسسه‌هایی است که می‌توانند آموزش حرفه‌ای دهند. برای مثال، در موضوع مورد بحث، به اشخاصی که صلاحیت دارند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را آموزش دهند، شناسایی و مجوز دهد.

✓ محامی

من با نظر جنابعالی به طور کامل موافق هستم. در انجمن حسابداران رسمی امریکا (AICPA) کسانی که بخواهند ارزیابی سهام کنند، موظف هستند دوره‌های آموزشی بگذرانند و در رابطه با مبانی نظری و استانداردها و مسائل مربوط به سهام، دانش و تجربه کافی به دست بیاورند تا به عنوان ارزیاب مورد قبول انجمن قرار گیرند.

چیست؟ اگر می‌توانستیم به جای امتحان در یک روز، در طول زمان یک سری درس را امتحان بگیریم و بعد از این که متقاضیان این مرحله را با موفقیت گذراندند، سوابق حرفه‌ای‌شان را مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت بحثهای اخلاق و ماژولهای مربوط به آن را مورد ارزیابی قرار دهیم، شاید این روش بسیار بهتر بود؛ اما آیا چنین امکانی در ایران وجود دارد؟

✓ دکتر نظری

در آزمون جامعه حسابداران رسمی ایران برای هر درس حدنصابی تعیین می‌شود. تصور نمی‌کنید پرسشهای بعضی از مفاد امتحانی نظیر آیین رفتار حرفه‌ای و قوانین، هر یک وزن خود را دارد و به تمامی پرسشها باید پاسخ صحیح داده شود و تعیین حدنصاب صحیح نیست و آیا در سطح بین‌المللی این حدنصابها وجود دارد؟

✓ شجاعی

بله، در آن جا این کار را انجام داده‌اند. یعنی بعضی از امتحانها را مشخص کرده‌اند که باید به همه پرسشها به طور صحیح پاسخ داده شود. برای مثال، در بخش نظارت باید به تمام پرسشها جواب داده شود و محدود نکرده‌اند به این که ۵ پرسش از ۸ پرسش را پاسخ دهید. برای نمونه در بخش اخلاق، باید تمام ماژول را طی کنید تا قبول شوید.

از طرف دیگر من معتقدم که امتحانهای جامعه حسابداران رسمی ایران زیادی سخت است. به نظر من آن چیزهایی را که افراد باید به صورت پایه‌ای بدانند باید در این امتحانها باشد، ولی لزومی ندارد که امتحانها آنقدر سخت شود که در واقع در زمان محدود فقط عده محدودی بتوانند قبول شوند. برای یک حسابرس یا حسابدار که می‌خواهد در حرفه باشد، چیزهایی که به طور مسلم تا آخر عمرش هم با آن روبه‌رو نمی‌شود، لزومی ندارد.

یک حسابرس خوب آن است که در حدی دانش کافی را داشته باشد، ولی به لحاظ حرفه‌ای دارای آن چارچوب اخلاقی باشد، دارای آن خصوصیات اخلاقی باشد که در حرفه لازم است. پس من معتقدم در امتحانهای جامعه حسابداران رسمی خیلی سخت نباید گرفت، بلکه باید تمام کسانی که قبول می‌شوند، حداقلها را به طور حتم داشته باشند.

✓ دکتر نظری

آیا موافقید که حسابدار رسمی بعد از امتحان و بعد از آن که

می‌کنم تا زمانی که بخش آموزش جامعه حسابداران رسمی ایران به شکل حقوقی از خود جامعه حسابداران رسمی جدا نشده و تشکیلات مستقلی به وجود نیاورده، از همین حدی هم که الان هست، نمی‌تواند پیش‌تر برود.

✓ دکتر نوروزبیگی

به نظر بنده این شیوه برای زمانی مناسب است که تعداد مدرسها زیاد باشد و ما امکان گزینش از بین آنها را داشته باشیم. آن موقع می‌توانیم بگوییم تنها اشخاصی که مدرک معینی دارند، می‌توانند تدریس کنند. اما مشکل اصلی در حال حاضر این است که تعداد مدرسانی که تجربه کافی به همراه دانش روز دارند، بسیار کم است.

✓ دکتر نظری

از حضور و صرف وقت همگی دوستان که محبت کردید و در این میزگرد شرکت فرمودید، بسیار سپاسگزارم. دیدگاههای مطرح شده در مورد نظام آموزشی حسابداری دانشگاهی و حرفه‌ای محیط کسب و کار در این میزگرد بسیار درخور دقت و توجه است که امید داریم دست‌اندرکاران و ذینفعان حوزه‌های مربوط نیز، آن را در برنامه‌های کاری خود مورد بررسی و توجه قرار دهند. ♦

ما به تازگی یک کارگروه حسابرسی عملیاتی و حسابرسی داخلی داشتیم که اتفاقاً همین موضوع در آنجا هم مطرح بود. من به اعضای کارگروه پیشنهاد کرده بودم بررسی کنند کسانی که می‌خواهند حسابرسی داخلی انجام دهند یا حسابرسی عملیاتی انجام دهند، آیا لازم است که دوره‌های خاصی را بگذرانند و در واقع اصول این شاخه از حسابرسی را یاد بگیرند و به حدی از دانش پایه برسند که بتوانند این نوع کار را با صلاحیت لازم انجام دهند؟

در زمینه آموزش استانداردهای بین‌المللی هم با توجه به پیچیدگی زیادی که دارد، طبیعی است کسانی باید این کار را انجام دهند که دارای صلاحیت هستند و این صلاحیت از سوی یک نهاد معتبری داده شده باشد.

منتهی به نظر می‌رسد اگر دنبال قراین بگردیم، نزدیک‌ترین گزینه سازمان حسابرسی است. به نظر من اگر کسی باشد که متولی استانداردهای حسابداری در کشور ما باشد، به طور قطع جامعه حسابداران رسمی نیست. نزدیک‌ترین متولی، سازمان حسابرسی است. به نظر من سازمان حسابرسی است که باید اقدام کند و این گواهی را بدهد.

جامعه حسابداران رسمی ایران طبعاً در اساسنامه و در مبانی قانونی، چنین اختیاری را ندارد. از نظر سازمانی هم من فکر

